

# تازه داماد در آغوش طناب دار!

**سجاد پور** - تازه دامادی که در یک نزاع دسته جمعی نوجوان ۱۷ ساله‌ای را باضربه‌قمه به‌قتل رسانده بود در حالی با حکم دادگاه در آغوش طناب دار قرار گرفت که دیگر عوامل شرکت‌کننده در این نزاع مرگبار نیز به‌شد مجازات‌های قانونی محکوم شدند.

##### ■ ماجرای قتل

به گزارش خراسان، ماجرای این جنایت وحشتناک بعد از ظهر هجدهم بهمن سال گذشته هنگامی در خیابان حر ۱۹ شهید رخ داد که چند ساعت بیشتر از مراسم عقد کنار غیر رسمی تازه داماد نمی گذشت. آن روز وقتی عاقد خطبه عقد را جاری کرد عروس و داماد به یکدیگر محرم شدند ناگهان مهدی برادر عروس متوجه شد که باتری گوشی تلفنش نیست. او که به‌دو نفر از بستگانش مشکوک شده بود با آن‌ها تماس گرفت تا جایی که این ادعا چند ساعت بعد از برگزاری مراسم عقد کنار به مشاجره و توهین کشید او به‌کینه‌ای غرور آمیز تبدیل شد. آن روز سعید (تازه داماد) به منزل عروس رفت او قصد داشت گوشی تلفنش را در جمعه بازار به فروش برساند تا بنا به ادعای خودش بخشی از هزینه‌های قهه کنار رسمی را تامین کند. در همین حال چند جوان که با تماس تلفنی مهدی عصبانی شده بودند به در منزل خانواده عروس آمدند و به‌سر و صدای پرداختند. تازه داماد که غرور عجیبی سراسر وجودش را فرا گرفته بود سعی کرد برای گرفتن زهر چشم از جوانان کوچک‌نشین به بیرون از حیاط برود اما مادر زنش جلوی او را گرفت و از خروج او پیش‌رش جلوگیری کرد تا این که ساعتی بعد سعید با پسر عمو و برادر زنش در حالی که قمه‌ای را به کمر بسته بود راهی جمعه بازار شد ولی هنوز از خیابان حر ۱۹ در منطقه شهرک شهید باهنر عبور نکرده بود که با یکی از بستگان خانواده عروس روبه‌رو شد که صبح در منزل آن‌ها را می کوبیدند. در همین حال آن جوان که احساس خطر می کرد با برادرش تماس گرفت و دقیقی بعد چند جوان مسلح به

تا این که صبح روز جمعه همان افراد به در منزل پدر زنم آمدند و محکم به در حیاط می کوبیدند. من از اختلافات آن‌ها اطلاعی نداشتم ولی زمانی که برای فروش گوشی قصد رفتن به جمعه بازار را داشتم درگیری بین مارخ دادو من هم قمه را از کمر بیرون کشیدم و ضربه‌ای به‌قمسه‌سینه محمدم زد! که بعد فهمیدم فوت کرده‌است و...



تازه داماد در آغوش طناب دار!

##### ■ در دادگاه چه گذشت!

به گزارش خراسان، پس از اعترافات صریح متهمان و صدور کیفرخواست در دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، این پرونده جنایی با دستگیری دیگر متهمان پرونده برای به‌دام انداختن سعید (جوان ۲۰ ساله) آغاز شد ولی او چند روز بعد وقتی خود را در محاصره پلیس دید تصمیم گرفت تا تسلیم قانون شودو این گونه‌راز این جنایت هولناک‌رافاش کرد.

##### ■ اعتراف به جنایت

تازه داماد جوان در اعترافات خود گفت: به‌تازگی با دختری از اهالی محل و به‌صورت غیر رسمی صیغه محرمیت خوانده بودیم و قرار بود روز شنبه (روز بعد از وقوع قتل) برای ثبت محضری از دو اجمان اقدام کنیم اما آن‌روز باتری گوشی برادر عروس گم‌شدم و مهدی به‌دو نفر از بستگانش شک کرد که آن‌ها باتری گوشی او را داشته‌اند

### دستگیری سارقان حصار فلزی ایستگاه‌های گاز برون شهری

**توکلی /** دوسارق هنگام سرقت حصار فلزی

ایستگاه‌های برون شهری تقلیل فشار گاز در عملیات ماموران یگان تکاوران را رو به‌دام افتادند. به گزارش خراسان، جانشین فرمانده انتظامی استان کرمان در این باره گفت: ماموران یگان تکاوری ۱۱۳ شهرستان راور هنگام گشت زنی در محوره‌های برون شهری محدوده شهر کرمان متوجه سرقت حصار فلزی ایستگاه‌های تقلیل فشار گاز شدند. سرهنگ عبدالعلی روانبخش افزود: در این زمینه ماموران با هوشیاری و سرعت عمل خود دوسارق را هنگام برش حصارهای فلزی یکی

**کرمانی/** دزد طلاهای یک خانواده آشنا از کار درآمد. فرمانده انتظامی نامشیر گفت: به‌دنبال سرقت طلاهای یک خانواده در یکی از روستاهای این شهرستان در ابتدای دی ماه امسال، دستگیری سارق در دستور کار پلیس آگاهی قرار

**کرمانی/** سرهنگ زیدآبادی افزود: ماموران باتوجه به‌اظهارات شاکی و با بررسی صحنه‌وقوع جرم به سرخ‌هایی از سارق دست یافتند و متوجه شدند

### انهدام باند سارقان اماکن و ادارات دولتی

فرمانده انتظامی اهواز از انهدام باند سرقت از اماکن و ادارات دولتی و کشف ۱۶ فقره سرقت در این شهرستان خبر داد. سرهنگ دالوند در گفت وگو با مهر افزود: به‌دنبال وقوع چند فقره سرقت اماکن و ادارات دولتی شهرستان اهواز، موضوع دستگیری سارق باسارقان در دستور کار پلیس قرار گرفت. وی ادامه داد: مأموران کلانتری ۲۳ اهواز با انجام اقدامات اطلاعاتی هویت سارقان اماکن و ادارات دولتی را شناسایی و طی عملیاتی منسجم در مخفیگاهش آنان را دستگیر کردند. وی با اشاره به‌دستگیری چهار نفر مالخر در این زمینه گفت: اموالی از قبیل تعداد ۱۰ دستگاه چرخ خیاطی، ۱۵ دستگاه مانیتور و ۱۹ دستگاه کیس رایانه از منزل سارقان کشف و ضبط شد. وی با اشاره به این‌که در تحقیقات به‌عمل آمده تاکنون ۱۲ مال باخته‌مربط با این پرونده شناسایی شدند، افزود: سارقان مذکور در تحقیقات پلیس به ۱۶ فقره سرقت اعتراف کردند.

**یک رستوران در محدوده هفت تیر**

نیاز به تعدادی نیرو جهت یک شیف کاری دارد. (۸الی ۱۷)

**۱-تخته کار**

**۲-میزبان آقا**

**۳-خدمات آقا**

**۴-منقل کار با کمک آتشیز**

**۰۹۱۰۱۷۰۹۲۷۱ صفری**

۰۹۹۰۸۰۱۱۵/

و محسن با موتور آمدند آن‌ها قفل فرمان، چوب و تکه آهن در دست داشتند. وقتی به‌ما حمله ور شدند علی با محسن و میلاد در گیر بود و من هم با محمود در نزاع شدم. اگر چه آن‌ها با تیر زین هجوم می آوردند ولی من هم همیشه چاقویی برای دفاع داشتم! وی محابا ضرباتی می‌زدم تا این که متوجه شدم تیغه چاقوی ۳۰ سانتی متری خونی است. وی در پاسخ به سوال قاضی دنیا دیده در باره چگونگی آغاز نزاع گفت: ما قصد رفتن به جمعه بازار را داشتیم که در حر ۱۹ با پسر عموی مهدی روبه‌رو شدیم. من چاقو را به‌دعا ندانم! ولی او یقه مهدی (برادر عروس) را گرفت و زنگ زد که بیا باید این سه نفر می‌خواهند مرا بزنند!

میلاد و محمد و محسن هم با موتور آمدند آن‌ها قرض خورده را به‌مشروب نوشیده بودند! من هم از ترس چاقوی ۳۰ سانتی متری را از کمرم کشیدم که میلاد با تبر مرا زد و من نمی دانم چطور چاقو به‌شش‌های مرحوم (محمد) فرو رفت. دیدم خونی از بدنش بیرون زد او را هل دادم عقب عقب رفت و روی زمین افتاد. این متهم که ادعای کرد فقط به‌خاطر غرور جوانی آینده‌اش راتباه کرده‌است در پاسخ به سوال قاضی شاکی (رئیس دادگاه) که چند ضربه چاقو زدی؟ گفت: نمی دانم چند ضربه‌زدم! در واقع نمی فهمیدم به‌کجای پیکرش چاقو می‌زنم! فقط ضربات را فرود می‌آوردم که فکر دادم این کار یعنی بود که به‌شکمش‌زدم! وقتی چاقو را انداختم حدود ۴ یا ۵ سانتی متری خونی شده بود! به همین خاطر قتل را قبول دارم ولی عمدی او را انکشتم!

##### ■ گفت وگویی خراسان باقاتل

سعید متهم اصلی این پرونده جنایی در گفت وگویی کوتاه در باره سرگذشت خود به‌خبرنگار خراسان گفت: بیشتر دوستانم به‌دنبال مشروب خوری و دعوا بودند که من هم تحت تأثیر رفتارهای آن‌ها قرار گرفتم و مدام با دوستانم مشروب می‌خوردم با آن‌ها سرکوبه می‌ایستادم! گاهی برای خودنمایی و نترس نشان دادن خود مان، چاقویی به کمر می‌بستم تا قدرتمان را به‌خبر دیگران بکشم! آرام‌آرام به‌یک جوان شرور تبدیل شدم و همیشه باخودم چاقو حمل می‌کردم تا این که شش ماه قبل از این حادثه به‌خواستگاری دختری رفتم که پدرش از دوستان پدرم بود! تصمیم گرفتم بعد از ازدواج دیگر این خلافکاری‌ها را کنار بگذارم ولی گویی تقدیر من به‌گونه دیگری رقم خورده بود که این حادثه رخ داد و حالا فریادمی‌زنم که همین غرور و خودنمایی با چاقو روزگار مرا اسیاه کرد!

### باز هم انفجار گاز در اهواز و مصدوم شدن ۳ نفر

۹:۳۰ صبح دیروز اتفاق افتاد، افزود: انفجار گاز در خیابان هشت منطقه ملاشیه اهواز اتفاق افتاد و در پی آن چند عضو یک خانواده مصدوم شدند. ابراهیم قنبری ادامه داد: پدر و مادر خانواده در اثر این حادثه مصدوم و به بیمارستان سوانح و سوختگی اهواز منتقل شدند و دو فرزند آن‌ها به‌صورت سربایی در محل درمان شدند. وی درباره علت وقوع این حادثه گفت: شیر گاز یک‌یک نیک از شب گذشته در خانه محل حادثه باز مانده بود که با رسیدن به‌مرز انفجار صبح امروز بر اثر یک جرقه باعث تخریب خانه شد.

در عملیات ضربتی به‌دام انداختند. این متهم پس از انتقال به پلیس آگاهی به‌سرقت طلاها از منزل شاکی اعتراف کرد و در بازرسی از مخفیگاه متهم، شش قطعه انگوی طلا به ارزش ۸۶۰ میلیون ریال کشف و به‌مال باخته تحویل شد.

### دزد طلاهای یک خانواده به چنگ پلیس افتاد

که سارق با این منزل و مکان نگهداری طلاها آشنایی داشته‌است. وی ادامه داد: ماموران با رصد های اطلاعاتی این متهم را شناسایی کردند و

**(( خاموش کردن هر جراح اضافه روشنی بخشنیدن به زندگی دیگران است ))**

**آگهی مناقصه عمومی شماره (۹۹/۴۰)**

**شرکت مدیریت تولید برق اهواز در نظر دارد خرید ۲/۰۰۰/۰۰۰ کیلوگرم نمک صنعتی مورد نیاز نیروگاه رامین را از طریق مناقصه عمومی به یکی از شرکتهای واجد شرایط که سابقه کار مرتبط با موضوع مناقصه را داشته باشد واگذار نماید.**

**لذا از شرکت هایی که توانایی انجام کار مذکور را دارا می باشند دعوت بعمل می آید از تاریخ ۹۹/۱۱/۰۵ لغایت ۹۹/۱۱/۱۳ جهت دریافت اسناد مناقصه با به همراه داشتن درخواست کتبی ، مدارک ذیل (در قالب دو لوح فشرده) و فیش واریزی به مبلغ ۲۱۸/۰۰۰ (دویست و هجده هزار ریال) به حساب سیبا به شماره ۰۰۳۲۳۲۳۶۶۰۰۲ بانک ملی ایران در وجه شرکت مدیریت تولید برق اهواز ( غیر قابل استرداد و واگذاری به غیر ) به آدرس : اهواز – کیلومتر ۲۰ جاده مسجد سلیمان – شرکت مدیریت تولید برق اهواز – نیروگاه رامین ( اداره قراردادها) و یا تهران – میدان ولیعصر (عج) – بالاتر از خیابان ولیعصر –کوچه شهید شهامتی – پلاک ۲۲ – واحد ۴ مراجعه نمایند. ضمنا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۴-۰۴۱۰۳۴۴۴۰۰۶۱ (داخلی ۴۸۵۸) تماس حاصل فرمایید.**

**الف- مدارک مورد نیاز :**

**اساسنامه شرکت، آگهی تأسیس ، آخرین آگهی تغییرات اعضای هیئت مدیره که دو سال از آن نگذشته باشد ، کپی از تمامی صفحات شناسنامه ، کارت ملی (پشت و رو) و کارت پایان خدمات (پشت و رو) تمامی اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل و عوامل اجرایی**

**ب- نوع مناقصه: عمومی یک مرحله ای**

**ج- تاریخ و ساعت تحویل پاکات: روز شنبه ۹۹/۱۱/۲۵ تا ساعت ۱۲:۰۰**

**د- تاریخ و ساعت افتتاح پاکات: روز شنبه ۹۹/۱۱/۲۵ راس ساعت ۱۴:۰۰**

**ه- محل تأمین اعتبار:از محل بودجه جاری می باشد.**

**و- تقصین شرکت در فرایند ارجاع کار: مبلغ ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (دویست و پنجاه میلیون ریال ) می باشد که بر اساس آخرین آیین نامه تضمین برای معاملات دولتی ، می بایست تهیه و تسلیم گردد.**

**سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.**

**حق الدرج دو نوبت آگهی در روزنامه به عهده برنده مناقصه می باشد.**

**روابط عمومی شرکت مدیریت تولید برق اهواز – نیروگاه رامین**

### در امتداد تاریکی

### قصه مرگبار عشق سیاه!

از روزی که دختر ۱۵ ساله ام به خاطر یک عشق دروغین در فضای مجازی دست به خودکشی زدو جان سپرددیگر زندگی منایز معنای واقعی خودش را از دست داد به گونه ای که همسر من نیز خودش را حلق آویز کرد... این ها بخشی از اظهارات مرد ۴۰ ساله ای است که هر اسان با اورژانس تماس گرفت و گفت همسرش قصد خودکشی دارد. لحظاتی بعد با حضور به موقع نیروهای کلانتری طبرسی شمالی و اورژانس، این زن ۳۵ ساله در حالی با گفت وگوهای روان شناسی از خودکشی منصرف شد که قصد داشت خودش را با یک رشته روسری حلق آویز کند. دقیقی بعد زمانی که آرامش نسبی در این خانواده حکم فرما شد فرزند ۴۰ ساله او درباره انگیزه همسرش از ماجرای اقدام های خودکشی به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفت: ۲۰ سال قبل من و «فریبا» به‌طور سنتی باهم ازدواج کردیم و زندگی خوبی داشتیم. حاصل این ازدواج پسری ۱۸ ساله و دو دختر زیبا بود. زندگی شیرین مادر حالی سپری می‌شد که دخترم شاگرد اول مدرسه بود و به‌ورزش نیز علاقه بسیاری داشت. به همین دلیل در کلاس های آموزش کاراته ثبت نام کرد و خیلی زود به کمر بندمشکی دست یافت. «ریا» دختری شوخ طبع و درس خوان بوده به‌طوری که همواره مورد توجه اطرافیانمان قرار می‌گرفت تا این که شش سال قبل و در حالی که ۱۵ سال بیشتر نداشت در یکی از شبکه های اجتماعی با پسری به نام «امیر» آشنا شد ارباط تلفنی و پیامکی او با امیر به عشقی دروغین در فضای مجازی انجامید. ثریا دل باخته امیر بود و به چیزی جز او نمی‌اندشید. من و همسر زمانی متوجه این ماجرای تلخ شدیم که بیشتر از هفت ماه از این عشق و عاشقی پوشالی گذشته بود. نصیحت های مادر باره درجام تلخ این گونه ارتباطات هیچ فایده ای نداشت. بالاخره با همکاری یکی از مشاوران خانواده، ثریا قبول کرد که اگر امیر او را دوست دارد باید پدر و مادرش را به خواستگاری بفرستد ولی امیر هر روز بهانه ای از خواستگاری ثریا سرباز می‌زد تا جایی که روزی وقتی فهمید که دیگر نمی تواند ثریا را طعمه هوسرانی هایش قرار دهد تصمیمی فرستاد که دیگر قصد ازدواج با ثریا را ندارد. از آن روز به بعد دخترم به نوجوانی افسرده و گوشه گیر تبدیل شد دیگر به تنها به درس و مدرسه علاقه ای نشان نمی‌داد و ورزش هم نمی‌کرد بلکه هنده از لباسش محو شد و شادی و نشاط درونی اش رنگ باخت. در همین شرایط افسردگی یک روز صبح وقتی با صدای آذان از خواب بیدار شدم ناگهان چشمم به ثریا افتاد که به طرز عجیبی نفس می‌کشید فریاد زنانه به‌سمت او دویدم و دیدم که دخترم رگ دستش را بریده و تعدادی بسته خالی قرص در کنارش افتاده بود با فاصله با اورژانس تماس گرفتم و پیکر نیمه جان دخترم را به بیمارستان شهید هاشمی ژواد مشهد رساندیم. او ۱۴ روز در بیمارستان بستری شد اما روز پانزدهم را ندید و در همان حالت کما جان سپرد. مرگ ثریا زندگی ما را نابود کرد و همسر من نیز بعد از این ماجرا دچار افسردگی شدید شد. من هم درخودم فرو رفتم و به دختران دست رفته ام می‌اندیشیدم که چگونه یک عشق سیاه و هیجانی در فضای مجازی این گونه زندگی من و خانواده ام را تها کرد. در حالی که به دنبال مقصر این حادثه تلخ بودم تازه متوجه شدم که همسر من نیز به‌مواد مخدر اعتیاد پیدا کرده‌است چندین بار او را در مراکز ترک اعتیاد بستری کردم اما فایده ای نداشت و دوباره آلوده به‌مواد مخدر شد. زندگی خانواده گی من از هم‌پاشیده بود به‌طوری که پسر من نیز سر دسته خلافکاران منطقه شده بود و هر روز با گروهی از خلافکاران محله معاشرت می‌کرد که آن‌ها از او باش معروف بودند. حالا دیگر چیزی برای از دست دادن نداشتم با خود می‌اندیشیدم در کجای تربیت فرزندم اشتباه کرده‌ام که سر نوشتمان این گونه رقم خورد. خودم را مقصر اصلی این تراجهای وحشتناک می‌دانستم در این وضعیت همسر من حال روز بهتری از من نداشت و دچار افسردگی شدیدی بود تا این که ناگهان دیدم همسر من با یک رشته روسری قصد خودکشی دارد و... شایان ذکر است با صدور دستوری از سوی سرگرد مهدی کسروی (رئیس کلانتری طبرسی شمالی) این زوج جوان به‌همراه فرزندانشان در باره مددکاری اجتماعی کلانتری مورد مشاوره های مقتدمانی قرار گرفتند و سپس برای ادامه درمان به مراکز روان پزشکی معرفی شدند.

تسنیم/ظهر دیروز راننده مرد ۳۰ ساله پژو ۴۰۵ پس از تصادف شدید با تیر چراغ برق در بزرگراه تندگویان تهران و واژگون و متلاشی شدن خودروی خود، جان باخت.



حادثه در قاب